

سفیر ترس و دلهره در تهران

۵ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۹

در آبان ماه ۱۳۴۴ آگاتا کریستی، نویسنده داستانهای جنایی به تهران سفر کرده و با مجله اطلاعات بانوان مصاحبه ای داشته است.

مصاحبه اختصاصی خیر نگار ما با برجسته ترین بانوی نویسنده که با ایران آمده است

سفیر ترس و دلهره در تهران!

بزرگترین بانوی نویسنده داستانهای پلیسی که بیش از هر کس مرتکب جرم و جنایت شده است، از آزدن بچه‌ها وحشت دارد!

- چرا این نویسنده بزرگ فقط از سم برای کشتن قهرمانان خود استفاده میکند؟
- چگونه این زن ۶۰ ساله است بکار نویسنده ادغام داده است؟
- آیا خالق صحنه‌های هراس‌انگیز، از قهرمانان خود میترسد؟

ازبری باصلتی



ورج باعداد یکنه گشته در موسسه ایران شناسی بریتانیا بود. چند دقیقه‌ای زودتر از ساعت ملاقات، در آنجا حضور یافتیم. نیمی از وقت پر خورده با این زن چگونه خواهد بود. در تمام لحظات، درباره صحنه‌های هراس‌انگیز، سسهای مرگ آور، دشته‌های ترسناک و اشیاء وحشت‌انگیزی که این من و این زن رابطه‌ای ایجاد کرده بود، می‌اندیشیدیم. محیطی که من در آن می‌رسیدم، آرام بود و سکوت دلچسپی بر آن سایه افکنده بود. اترام راننده‌های کتاب پوشانده بود. اما میدانم چرا هر لحظه در انتظار صدای هولناک، قتل عجیب و یا فریاد وحشت‌انگیزی بودم. وقتی دختر جوانی نظریتی مرا صدا کرد که ۱۴ سال این زن بزرگ، صحنه‌های رنگارنگی در برابرم تجسم یافت. سرانجام، پشت در آن اورسیدم و با تیره آرامی که در گورتم، ورود خود را با اطلاع دادم. زن سستی که گسوی سفید بر چهره‌اش ایت فراوانی پخشیده بود، روی میز نشسته بود. نویسی تیره رنگی تن داشت و یک ستیجالی سینه و یک رسته مروارید برای تزئین آن بکار رفته بود. از پشت عینکهای ژرف نده‌یش با تو چشم درشت آن زن مرا برانداز میکرد. دو مطالبش نشستم. رویای ترس، باورچین باورچین از دل میگریخت. سر صحبت را با او گشودم... این زن آگاتا کریستی بزرگترین نویسنده داستانهای پلیسی دنیا بود. زنی که گویی رسته‌های زندگی او را با مرگ جنایت، سمه دشته و هفت‌تیر بیوند داده است.

● ۶۰ سال نویسنده‌گی

آگاتا کریستی زن ۷۵ ساله‌ای است که نویسنده‌گی را از ۱۰ سال پیش، در زمانی که ۱۵ سال بیشتر نداشته، شروع کرده است. تاکنون متجاوز از صد داستان کوتاه، ۶۰ کتاب، تعدادی نمایشنامه نوشته است. چند نمایشنامه او بصورت فیلم باکارت درآمده است. همه کسانی که با کتاب و مجله سروکار دارند با نوشته‌های او آشنا هستند و شاید از نمایش فیلم پلیسی معروف و هیجان‌انگیز «شاهد برای تعقیب» که از روی یک راز آلود او تهیه شده است، لذت بردند.

آگاتا کریستی، در حدود ۲۰ سال است که ازدواج کرده و لیره این ازدواج یک دختر است که فعلاً با شوهرش در لندن زندگی میکند. این نویسنده انگلیسی هم‌راهِ با شوهر باستان شناسش تاکنون با اغلب کشورهای دنیا مسافرت کرده و این شناسین مرثیه است که با ایران آمده است. او در نزدیکی شهر اسپورت در انگلیس، زندگی میکند و برتکس آنچه من و شما میندازیم، بطوریکه میگفت، خانه‌اش شیوه ساده و اروپایی آراسته شده است. در این خانه هیچگونه احساس ترس، وحشت یا نمان دست نمیدهد. بلکه محیط آرامی و صفا آ...

و چهارچوب داستان را در ذهن می‌ریزم. آغاز و پایان و سر-نویست قهرمانان را در ذهن می‌پرورانم و بعد، بروی کاغذ می‌آورم. باین جهت، از ابتدا بخوبی میدانم که داستانم چگونه پیشرفت میکند و به پایان می‌رسد.

● عشق بنویسنده‌گی

در پاسخ این سوال که بچه ترکیب شروع شوق خود را برای نوشتن حفظ میکند و انگیزه‌اش در کار نوشتن چیست، گفت: - فقط عشق بنویسنده‌گی... وقتی در صدد نوشتن کتاب نازمی درمی‌آیم، شروع و پایان نازمی را در خود احساس می‌کنم و این شروع و پایان ناپایان آن کتاب که نوشتن آن بین ۳ تا ۴ ماه طول میکشد. در وجودم موج میزند.

پرسیدم: آیا خودتان از صحنه‌های وحشت آوری که در داستانهایتان ایجاد میکنید، هیجولت دچار هراس نمیشوید؟ قیافه جدی تری بخود گرفت و با قاطعیت گفت:

ممکن است دیگران تحت تأثیر این صحنه‌ها قرار بگیرند و حتی با تلقین نتوانند رورکنند که این صحنه‌ها ساخته فکر و خیال است، اما من که اثریننده این صحنه‌ها هستم، طبیعی است که از آن تعبیرسم.

پرسیدم: آیا به «پایان خوش» برای داستانهایتان معتقدید و خودتان آن بروی می‌کنید؟

گفت:

- ممکن است ناشران کتاب و یا دسته‌ای از خوانندگان به پایان خوش معتقد باشند. اما بنظر من، برای یک داستان پلیسی که با آدم کشتی و جنایت تمام میشود، پایان خوش مفهوم ندارد.

● در جواب این سوال که چه صحنه‌ها و محیط‌هایی را بیشتر برای انجام یک جنایت در داستان خودد نظر میکنید، خانم آگاتا کریستی گفت:

- این سستی بنوع داستان دارد. بنظر من، هواپیمای، هتل، کشتی، اتوبوس، بیمارستان، راهروی زیر زمینی، اتاق مهمانخانه، خیابان، کتابخانه، گوشه آشپزخانه، جاهای مناسب برای انجام قتل است.

پرسیدم: بیشتر از چه وسیله‌های برای کشتن استفاده میکنید؟

گفتش را بچشم دوخت و بعد گفت:

سم... سم های مرگ آور رنگارنگ!

بدون درنگ دلیلش را پرسیدم و او گفت:

- دو علت دارد: یکی اینکه چون در زمان جنگ در بیمارستان کار میکردم و پرستار بودم، بخوبی با انواع سم‌ها و تأثیر هرسم روی افراد آگاه هستم و باین جهت، بخوبی میدانم که هرسمی رایجه میزان باید مورد استفاده قرار داد و بعد از مصرف بقیه در صفحه ۷۷

اطلاعات بانوان

نژادهای را خلق کند. نوشتن داستانهای زندگی افرادی که مرتکب جرم و جنایت شده‌اند از وقایعی که در اطرافمان روی میدهد، در جای خود هنر یا ارزشی است، اما کار نازم‌های پلیسی نه فقط داستانهای پلیسی من، بیشتر افراد تحصیل کرده، با مطالعه عام از پیر و جوان هستند و شک نیست که این نوع داستانها، پیش از سایر داستانها خواننده را بشکر و امیدارد.

در جواب این سوال که آیا داستانهای پلیسی را میتوان رسته‌ای از ادبیات بشمار آورد، آگاتا کریستی اظهار داشت:

- بنظر من، یکی از رسته‌های قدیمی ادبیات، داستانهای پلیسی است.

از نویسنده داستانهای پلیسی پرسیدم:

در پرداختن به داستانهای پلیسی خود تا چه اندازه از نیروی تخیل و تاجه انداز از صحنه‌های واقعی زندگی الهام میگیرید؟

گفت:

- بنظر من، هنر نویسنده‌گی در این است که نویسنده ادبیات نازم‌های را برورش دهد و شخصیت‌های

عمیق و تکرر، سرسری میگذارد و چه‌بسا افرادی که یک مطلب نادری را چنان باورنکردنی و تعجب میخوانند که تکات سازه تری دستگیرشان شود. اما، خوب است که خوانندگان داستان های پلیسی نه فقط داستانهای پلیسی من، بیشتر افراد تحصیل کرده، با مطالعه عام از پیر و جوان هستند و شک نیست که این نوع داستانها، پیش از سایر داستانها خواننده را بشکر و امیدارد.

در جواب این سوال که آیا داستانهای پلیسی را میتوان رسته‌ای از ادبیات بشمار آورد، آگاتا کریستی اظهار داشت:

- بنظر من، یکی از رسته‌های قدیمی ادبیات، داستانهای پلیسی است.

از نویسنده داستانهای پلیسی پرسیدم:

در پرداختن به داستانهای پلیسی خود تا چه اندازه از نیروی تخیل و تاجه انداز از صحنه‌های واقعی زندگی الهام میگیرید؟

گفت:

- بنظر من، هنر نویسنده‌گی در این است که نویسنده ادبیات نازم‌های را برورش دهد و شخصیت‌های

● شایسته نویسنده‌گی

بگذار آشنای بیشتر با این بانوی نویسنده، پرسیدم: چگونه شد که در میان شیوه‌های مختلف نویسنده‌گی، بنویسن داستانهای پلیسی پرداختید؟

لیخندی زد و گفت:

عجیب است که همه مرا فقط بعنوان یک نویسنده داستانهای پلیسی می‌شناسند، درحالیکه من متجاوز از ۴۰ نمایشنامه و چندین کتاب عشق یا تاریخی (و بهر حال غیرپلیسی) نوشته‌ام. من هرگز فقط با شیوه رابری نویسنده‌گی انتخاب نکرده‌ام... و این هم با تشریح از کارهای من است. اما علاقه مردم به داستانهای پلیسی باعث شده است که مرا فقط بعنوان یک نویسنده داستانهای پلیسی میشناسند.

پرسیدم: آیا بنظر شما داستانهای پلیسی، گذشته از جنبه سرگرمی، تأثیر دیگری هم دارند؟

جواب داد:

- این سستی بطرز فکر خوانندگان کتاب دارد. چه‌بسا افرادی که از یک کتاب قابل

